

صراف قلابی به دام پلیس افتاد

اعتماد بی چاه سردی که در فضای مجازی خودش را صراف معرفی کرده بود به قیمت از دست رفتن سه سرما به شاکی تمام شد.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی به اداره پلیس فتارفت و از فردی به اتهام کلاهبرداری ۱۷۰ میلیون تومانی ارز در فضای مجازی شکایت کرد. او در توضیح گفت: قصد داشتم مبلغ ۱۷۰ میلیون تومان به حساب یکی از آشنایان در یکی از کشورهای خارجی حواله کنم. به همین خاطر در فضای مجازی جست‌وجو کردم تا اینکه تبلیغات صرافی آنلاین را دیدم. با فردی که این تبلیغات را می‌کرد آشنا شدم سپس از او خواستم این مبلغ را برابرم نقل و انتقال دهد.

شاکي ادامه داد: ابتدا قرار شد در مرحله اول ۱۰۰ میلیون تومان در مرحله دوم ۷۰ میلیون تومان به حساب صراف واریز کنم، تا اولین مبلغ را به ارز تبدیل و سپس به حساب مورد نظر در کشور دیگر حواله کند، اما وقتی وجه را واریز کردم آن فرد دیگر تماس‌هایم را پاسخ نمی‌داد.

آنجا بود که متوجه شدم او کلاهبردار است.

با طرح این شکایت، تحقیقات مأموران در پلیس فتا آغاز شد تا اینکه در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد، صرافی مورد نظر قلابی بوده و متهم با ایجاد کانالی در شبکه‌های اجتماعی خود را صراف معرفی کرده‌است.

با بدست آمدن این اطلاعات و مشخص شدن هویت متهم، مخفیگاه وی شناسایی و سپس با هماهنگی قضایی صراف قلابی در مخفیگاهش دستگیر شد. سرهنگ داوود مغضی گودرزی رئیس پلیس فتا گفت: متهم بعد از دستگیری برای تحقیقات تکمیلی و کشف سایر جرائم احتمالی به اداره پلیس فتا منتقل شد.

وی در پایان گفت: قبل از انجام مبادلات مالی خود در فضای مجازی، حتماً مجوز آنها را بررسی کنید و صرفاً به نام و نشانی آنها در فضای مجازی اعتماد نکنید. نقل و انتقال‌های خود را از طریق بانک‌ها، مؤسسات مالی اعتباری یا صرافی‌های دارای مجوز از بانک مرکزی انجام دهید و هر گونه مورد مشکوک را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir به صورت آنلاین با ما در میان بگذارید.



کلاهبرداری

بامدارک زن جویای کار

زن جوانی که به پنهان‌کار یابی مدارک زن جویای کار را گرفته و با آن مرتکب چند فقره کلاهبرداری شده بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، اوایل مهرماه امسال، تحقیقات پلیس تهران با طرح چند شکایت مشابه درباره خرید اقلام با چک برگشتی از سوی زن جوانی به نام پروین به جریان افتاد. مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود موفق شدند پروین را شناسایی و بازداشت کنند. او وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، جرمش را انکار کرد و گفت: دنبال کار بودم تا اینکه مدتی قبل با زن جوانی به نام پونه آشنا شدم که مدعی شد بنگاه کاربایی دارد. به او اعتماد کردم و مدارک هویتی‌ام را به او دادم تا برابرم شغل مناسبی پیدا کند. این گذشت تا اینکه بعد از مدتی متوجه شدم او با سوءاستفاده از مدارکم از افراد زیادی کلاهبرداری کرده است و حالا مالباختگان آن من شکایتی کرده‌اند. با تجمع پرونده چند مالباخته، زن جوان تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه در مخفیگاهش در شهرک ولیعصر شناسایی و بازداشت شد.

متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با اقرار به ۲۰ فقره کلاهبرداری در اظهاراتش گفت: وقتی مدارک زن جویای کار را گرفتم در فضای مجازی چند فقره چک سرقتی خریدم و با آن چک‌ها اقدامی مانند زعفران، لوازم خانگی و… خریداری کردم. سرهنگ کارآگاه علی عزیزخانی، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی گفت: بعد از اقرار متهم و شناسایی شاکیان، پرونده برای کامل شدن تحقیقات به دادسرا ارسال و متهم نیز با صدور قرار مجرمیت روانه زندان شد.

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۹۳۰

پلیس الکترونیک یا مراجعه از دحام ز!؟



عمده‌ترین نمود مورد اشاره، مربوط است به جرمه کردن خودروهایی که مالکان آن از پلاک بومی آن شهر بر خوردار نیستند که در صورت تردد جرمه شهر بر کاستی‌هایی هم همراه بود که در اولین روز اجرای این دو گروه اعتراض‌های گاردگان این پلاک‌ها به مسئولان راه‌به‌همراه داشته‌است.

بسیاری مجبورند در طول مدت اجرای طرح، به قواعد ایجاد شده پایبند باشند. قواعد ایجاد شده اما با کاستی‌هایی هم همراه بود که در اولین روز اجرای آن، نمود خودرانشان داد و معین کرد که دولت‌های رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده در ک رستی از قواعد اجرایی آن نداشته‌است. نداشتن ترک حداقلی البته دور از ذهن هم نبود؛ چراکه عمده افرادی که در حوزه تصمیم‌گیری طرح مورد نظر حضور داشته‌اند از امکانات بالقوه بر خوردار هستند.

اثر انگشت سارق سابقه دار روی گلدان قدیمی

اثر انگشت سارق مسلح سابقه دار روی گلدان قدیمی راز سرقت‌های سریالی بانده مسلحانه را برملا کرد. به گزارش جوان، روزهای اول شهر یور امسال بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید سه سارق مسلح به خانه‌ای در خیابان پیروزی دستبرد زده و اعضای خانواده را نیز در اتاقی حبس کرده‌اند.

وقتی مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند، پسر جوانی به نام حمید در شرح ماجرا گفت: ساعتی قبل زنگ خانه‌مان به صدا در آمد و آقایون را برداشتم که مردی از پیس‌گوشی به من گفت همسایه طبقه پایین است و کلیدش را جا گذاشته‌است. او از من خواست در آپارتمان را باز کنم و من هم به خیال اینکه همسایه طبقه پایین است در راباز کردم، اما خبر نداشتم سه‌سارق مسلح با این ترند قصد سرقت از خانه ما را دارند. هنوز تائیه‌هایی نگذشته بود که این بار صدای زنگ در واحد ما به صدا در آمد و وقتی

گفت‌وگو با سردرسته باند

فرزاد سابقه‌های قبلی همه سرقت مسلحانه بود؟

نه، من زمانی که وارد کار خلاف شدم به صورت مسلحانه سرقت نمی‌کردم تا اینکه یکبار هنگام سرقت از منزلی صاحبخانه از راه رسیدم و با کمک همسایه مرد دستگیر کردند. پس از این تصمیم گرفتم به صورت مسلحانه سرقت کنم تا مالباخته یا صاحبخانه جرئت نداشته باشد که مرا دستگیر کند. به همین دلیل اسلحه کلتی تهیه کردم و برای سرقت‌هایم از آن استفاده می‌کردم.

چه شد که تصمیم گرفتی این باند را

جرمه‌این نوع پلاک‌ها با دوربین‌ها، راننده می‌تواند بامدارک سکونت در تهران، به مرکز اجرائیات پلیس راهور مراجعه کند تا جرمه‌اصلاح شود. همچنین اگر راننده‌ای ساکن شهرستان باشد، ولی پلاک آن مربوط به دیگر استان‌ها باشد، این قانون شامل حال وی نیز می‌شود.»

حواله‌دان این دسته از رانندگان به مراکز اجرائیات پلیس قاعده‌مهم شهونامه کرونا را که همان تجمع افراد و احترام به فاصله‌گذاری اجتماعی است، نقض خواهد کرد. به طوری که بعد از طی شدن دوره دو هفته‌ای طرح، شاهد تجمع افراد زیادی در این راننده‌مدارکی را دال بر ساکن بودن در تهران نشان دهد، دستور دادیم که جرمه نشود. در صورت



از این تیم تشخیص هویت پرورنده و سوابق سارقان سابقه‌دار را بررسی کردند که دریافتند اثر انگشت باقی‌مانده در صحنه جرم متعلق به سارق سابقه‌داری به نام فرزاد است که چند سال قبل به اتهام سرقت مسلحانه از خانه ویلایی دستگیر، اما مدتی قبل با گذاشتن وثیقه از زندان آزاد شده‌است. بدین ترتیب مأموران پلیس راهی مخفیگاه فرزاد در پردیس شدند و وی را بازداشت کردند.

دلیل آنها قبول کردند که من سردرسته‌بندباشم، اما این فکرمی‌کنم که خیلی هم باهوش نیستم چون یک اشتباه باعث شد ما شناسایی و به دام بقیتم. منظورت اثر انگشت روی گلدان است؟

چه شد که دست به گلدان زدی؟

من معمولاً هنگام سرقت کاری انجام نمی‌دهم و همدستانم که دستکش دارند کارها را انجام می‌دهند، اما آن روز وقتی گلدان قدیمی را دیدم خیلی نظرم را به خودش جلب کرد و تصمیم گرفتم آن را سرقت کنم. به همین خاطر آن را برداشتم، اما

وارد خانه می‌شدم و دست به سرقت می‌زدیم.

سند جعلی قاتل را به زندان بازگرداند

قاتل زن جوانی که پس از ۲۰سال با گذاشتن سند جعلی آزاد شده بود، دوباره بازداشت و راهی زندان شد.

به گزارش جوان، اوایل سال ۱۳۷۹ بود که مأموران پلیس شهرستانی در اطراف تهران از قتل زنی در خانه‌اش با خبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه با جسد زن جوانی روبه‌رو شدند که با ملحفه‌ای به دور گردنش خفه شده‌بود.

شوهر مقتول به مأموران گفت: صبح به محل کارم رفتم تا اینکه دقایقی قبل وقتی به خانه‌ام برگشتم دیدم وسایل خانه‌ام به هم ریخته‌است و دختر ۱۸ ماهه‌ام کنار جسد بی‌جان خواب زده‌است. به دور گردنش پیچانده شده‌است، گریه می‌کند. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کردند که در یافتند روز حادثه مرد جوانی به نام کامران از اهالی همان محل در نزدیکی خانه مقتول هراسان دیده شده‌است. بنابراین مأموران پلیس، کامران را به عنوان مظنون حادثه بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل زن جوان اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «مدتی قبل اتفاقی زن جوان را داخل خیابان دیدم و از او خوشم آمد. پس از این تلاش کردم با او ارتباط برقرار کنم. اما قبول نکرد

مشخص شود.

پس از آنکه متهم به سرقت متهمان آگاه می‌شود، متهم به سرقت متهمان آگاه می‌شود.



قاتل: قصد انتقام داشتم

مرد جوان که برای انتقام از دوست دوران کودکی‌اش، همسر وی را به قتل رسانده مدعی است ناخواسته مرتکب جرم شده‌ است.

به گزارش جوان، دو سال قبل، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک زن جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به افسانه ۳۰ساله بود که روز قبل با ضربه چاقو از سوی دوست شوهرش زخمی شده اما بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مرد جوان به نام هاشم که حین فرار از سوی همسایه‌ها دستگیر شده بود به پلیس آگاهی منتقل شد. او در روند بازجویی‌ها به قتل زن جوان اعتراف کرد و گفت: «شب حادثه به خاطر کینه‌ای قدیمی که از پیمان داشتم به خانه‌اش رفتم تا به رسم محلی روسری همسرش را برادر ام، اما با داد و فریادهای افسانه‌ناخواسته مرتکب قتل شدم.» با اقرار‌های متهم، هاشم بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده با کامل شدن تحقیقات به داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

پرونده بعد از تعیین شعبه در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت‌قضایی شعبه‌دوم به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس متهم به

دستور ریاست داد‌گاه در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «پیمان دوست دوران کودکی‌ام بود، اما او در دوران نوجوانی به من تعرض کرده بود. آن زمان از ترس حرفی نزدم و خانواده‌ام در این مورد چیزی نمی‌دانستند. در این سال‌ها فکر و خیال راحتم نمی‌گذاشت و انگار همچنان در شوک رفتاری بودم که از پیمان دیده‌ام بودم. رابطه من و پیمان ادامه داشت تا اینکه به سن ازدواج رسیدیم و هر دو دواج کردیم اما دوباره به اختلاف خوردیم. او در خصوص انگیزه‌اش برای رفتن به خانه دوست قدیمی‌اش گفت: «پیمان به همه بچه‌های محل گفته‌بود، مرا در کودکی آزار داده‌است. او با این حرف آبروی مرا برده بود. همین باعث شد کینه کنم و انتقام بگیرم. در محله ما وقتی می‌خواهند یک‌نفر را بی‌آبرو کنند روسری همسرش را برمی‌دارند. من هم تصمیم گرفتم به خانه پیمان بروم و روسری همسرش را بردارم تا اگر او بار دیگر پشت سرم حرف زد، روسری همسرش را به بچه‌های محل نشان بدهم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «آن شب در حالی که صورت‌م را پوشانده‌بودم، وارد خانه پیمان شدم که ناگهان همسرش مرا دید. او شروع به داد و فریاد کرد به همین خاطر ترسیدم و با چاقویی که همراه داشتم یک ضربه به گردنش زدم. قبول دارم از شوهر مقتول کینه داشتم، اما راضی به مرگ همسرش نبودم. بپلو کنید این حادثه ناخواسته رقم خورد و از ترس دست به چاقو شدم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شد.

زدان شب‌رو به آخر خطر رسیدند

سه سارق شب‌رو که با دستبرد به خانه‌های مردم پول و طلا سرقت می‌کردند، سرانجام بازداشت شدند.

به گزارش جوان، ششگانه ۱۳مهر سال‌جاری، مردی سا مراجعه به کلانتری ۱۳۲ نبره، مأموران را از سرقت منزلش باخبر کرد و گفت: شب حادثه در منزلم در خیابان خاوران خارج شدم و بعد از حدود سه‌ساعت به خانه برگشتم که متوجه شدم در ورودی آپارتمان سخته‌است. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه جا به هم ریخته‌است. بلافاصله سراغ پلاها رفتم به فهمیدم طلانقره و گوشی تلفن همراه به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان سرقت شده‌است. با ثبت این توضیحات نمی‌از کار آگاهان پایگاه‌مشخص تحقیقات خود را آغاز کردند تا اینکه یکی از سارقان با سابقه به نام سربوس شناسایی شد. با بدست آمدن مشخصات سارق، مأموران به آدرس مخفیگاه وی اعزام شدند و با هماهنگی قضایی سارق را دستگیر کردند. متهم به پایگاه ششم منتقل شد و در بازجویی‌ها به جرمش با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های سپهراب و خسرو اعتراف کرد. با اقرار‌های متهم، دو همدست وی نیز بازداشت شدند در روند بازجویی‌ها به چهار فقره سرقت با همدستی یکدیگر اعتراف کردند.

سرهنگ کنشوربان، رئیس پایگاه‌ششم پلیس آگاهی تهران گفت: هر سه متهم به سرقت اموال مالباختگان به ارزش ۵۰۰ میلیون تومان اعتراف کردند که پس از تحقیقات تکمیلی روانه زندان شدند. وی در پایان گفت: تحقیقات تکمیلی برای کشف اموال مسروقه ادامه دارد.

ربودن مرد ووزشکار از باشگاه

سارق زورگیر که با همدستی سه مرد جوان، مرد ووزشکار را از باشگاه ربوده بود، بازداشت شد. تلاش برای دستگیری دیگر متهمان ادامه دارد. به گزارش جوان، اوستر شهر یورماه سال جاری، مرد ۲۷ساله به نام حسام با مراجعه به کلانتری ۱۳۱ شهرری از چهارمرد جوان به اتهام سرقت شکایت کرد و گفت: روز گذشته حوالي ساعت ۷ بعداز ظهر در باشگاه بدنسازی در حال تمرین بودم که ناگهان چهارمرد قوی هیکل وارد باشگاه شدند.

آنها نزدیک من آمدند و بعد از ایجاد رعب و وحشت مرا تهدید کردند تا همراهشان به بیرون باشگاه بروم. خواستم مقاومت کنم اما حریف آنها نشدم افراد حاضر هم ترسیده بودند و دخالتی نکردن. این شد که بیرون باشگاه رفتم و آنها مرا با ضرب و جرح به زور سوار خودرو کردند و سپس در مکان خلوتی کارت بانکی‌ام به همراه با رمز گرفتند و بعد از اینکه مرا در بیابان‌های شهری رها کردند، گریختند. بعد از طرح این شکایت و ثبت مشخصات زورگیران، سرانجام یکی از آنها به نام بایرام که ساکن حومه تهران بود، شناسایی و بازداشت شد.

متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و در روند بازجویی‌ها به سرقت از شاکي با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد و گفت به خاطر اختلاف با شاکي مرتکب جرم شده‌است. با اقرار‌های متهم، اما شاکي مدعی شد متهم را نمی‌شناسد و اختلافی با او نداشته‌است. سرهنگ کارآگاه حیدر گودرزی، رئیس پایگاه‌نهم پلیس آگاهی تهران گفت: با اقرار‌های متهم، وی با صدور قرار مجرمیت روانه زندان شد. تحقیقات برای دستگیری دیگر متهمان ادامه دارد.